

ایدئولوژی و رفاه

نوشته:

گری تیلور

ترجمه:

حسین محقق کمال

مهدی نصرت آبادی



جامعه‌شناسان

سرشناسه: تیلور، گری، ۱۹۶۰ - Taylor, Gary
عنوان و نام‌پدیدآور: ایدئولوژی و رفاه
تألیف: نوشته گری تیلور، ترجمه حسین محقق کمال، مهدی نصرت‌آبادی

مشخصات نشر: جامعه‌شناسان
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۲۲۳-۱۸۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: Ideology and welfare , 2007
موضوع: رفاه اجتماعی
موضوع: سیاست اجتماعی
موضوع: ایدئولوژی

شناسه افزوده: محقق کمال، حسین، ۱۳۵۹ - مترجم
شناسه افزوده: نصرت‌آبادی، مهدی، ۱۳۶۱ - مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۹۷۸/۳۱۷ H
رده بندی دیویی: ۳۱۱/۶۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۱۲۹۱



جامعه‌شناسان

ایدئولوژی و رفاه
تألیف: گری تیلور
ترجمه: حسین محقق کمال، مهدی نصرت‌آبادی

چاپ اول: ۱۳۹۲ تهران/ تعداد ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان/ لیوگرافی: رویداد چاپ: قدیانی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۲۲۳-۱۸۰-۲
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی: نمونه‌خوانی و صفحه‌آرایی: جامعه‌شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه‌شناسان

فروشگاه و نمایشگاه مرکزی:
تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، همکف، پلاک ۳۳۳
فروشگاه جامعه‌شناسان- تلفن ۶۶۰۰۰۵۱

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه	۷
فصل دوم: لیبرالیسم	۲۳
فصل سوم: محافظه‌کاری	۴۹
فصل چهارم: سوسیال دموکراسی	۷۷
فصل پنجم: نئولیبرالیسم	۱۰۱
فصل ششم: راه سوم	۱۲۷
فصل هفتم: منتقدان افراطی: مارکسیسم	۱۵۳
فصل هشتم: منتقدان افراطی: فمینیسم	۱۷۱
فصل نهم: منتقدان افراطی: سبزها	۱۹۵
فصل دهم: نتیجه‌گیری	۲۱۷
فهرست منابع	۲۲۹

فصل اول

مقدمه

هدف این کتاب بررسی دیدگاه‌های رفاهی و سیاست‌های اجتماعی ایدئولوژی‌های مختلف است. باید دانست که «ایدئولوژی»، عنصری ضروری در شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های سیاسی است و دولت‌ها به هنگام تدوین سیاست‌های خود اغلب از چارچوب ایدئولوژیکی خاصی پیروی می‌کنند. با این حال، ایدئولوژی‌ها ثابت نیستند و در نتیجه موفقیت‌ها و شکست‌های طرح‌های دولت و گاهی اوقات در پاسخ به شرایط خارج از کنترل دولت تغییر می‌کند. این کتاب، نقش دولت در رفاه عمومی شهروندان را بررسی می‌کند و به طور خاص بر نظام مزایا، مسکن، مراقبت‌های سلامت و آموزش تأکید دارد. ایدئولوژی‌های مختلف، تفسیرهای متفاوتی از زندگی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی ارائه می‌کنند. ما سؤالاتی را در مورد اینکه، مسئولیت تامین مالی مراقبت‌های سلامت بر عهده کیست و تا چه حد دولت باید در تدارک مزایا، آموزش و مسکن مداخله کند، مطرح می‌کنیم. پاسخ این سؤالات بیشتر به پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک ما در مورد ویژگی‌های انسان مربوط می‌شود. هر ایدئولوژی در مورد نوع نگاه به ویژگی‌های انسانی، اقتصاد، امور اجتماعی، مسئولیت‌های قانونی دولت و سبک زندگی، رویکرد خاص خود را دارد. با بررسی ایدئولوژی‌ها، به دامنه‌ای از رویکردهای انتقادی پیرامون جامعه معاصر و طیف گسترده‌ای از رویکردهای آتی دست خواهیم یافت.

ماهیت ایدئولوژی

ایدئولوژی‌ها اغلب بینش‌هایی با جنبه‌های توصیفی و تجویزی هستند، آن‌ها واقعیت اجتماعی را توصیف و راه‌هایی برای تغییر آن پیشنهاد می‌کنند. با این حال، توصیف هر ایدئولوژی از واقعیت، منطبق با اصول ارزشی همان ایدئولوژی است. برای مثال، سوسیالیست‌ها به‌طور سنتی به آثار جامعه بر طبقه کارگر تمرکز دارند، در حالی که لیبرال‌ها به حقوق بالقوه فردی تأکید می‌کنند. توصیف ایدئولوژی‌ها از واقعیت اجتماعی، بستری برای پیشنهادات آن‌ها و راه‌هایی برای توسعه جامعه فراهم می‌کند. آشکار است که آن‌ها تنها راه حل‌هایی برای مشکلاتی که خود شناسایی کرده‌اند، ارائه می‌دهند. برای نمونه، دیدگاه محافظه‌کاری در مورد سازماندهی جامعه با دیدگاه لیبرال‌ها و یا سوسیالیست‌ها تفاوت دارد. ایدئولوژی‌ها به شیوه‌های مختلف تلاش دارند تا دیدگاهی منطقی از سازماندهی جامعه ارائه دهند. هر ایدئولوژی شمار محدودی از مشکلات و راه حل‌ها را شناسایی می‌کند. برای نمونه، در حالی که مارکسیست‌ها مشکلاتی کلیدی را در ارتباط با سرمایه‌داری شناسایی می‌کنند و به راه‌هایی نظر دارند تا نظام ناعادلانه سرمایه‌داری را نقد کنند، محافظه‌کاران روی توانمند کردن افراد تأکید دارند و به دنبال راه‌های تثبیت سرمایه‌داری هستند. راه حل‌های ارائه‌شده از سوی ایدئولوژی‌ها تنها زمانی قابل درک‌اند که به مشکلات جامعه فعلی نظر داشته باشند. ایدئولوژی‌ها ما را به درک و اثرگذاری بر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، مجهز می‌سازند (Eccleshall, 1984, pp. 7-8). با این حال، این اشتباه است که هر ایدئولوژی را تمایلی ساده تصور کنیم که توسط افراد ناراضی از شرایط موجود ایجاد می‌شود. به‌طور کلی، بعضی از ایدئولوژی‌ها به دنبال تغییرات رادیکالی‌اند، در حالی که سایرین به دنبال حفظ وضع موجود هستند.

ما با درک دیدگاه‌های مختلف، بینش عمیق‌تری نسبت به زندگی کسب کرده و به این ترتیب، تنها به مقایسه رویکردهای سیاسی در مورد دولت و یا اقتصاد بسنده نمی‌کنیم. دیدگاه‌های یک ایدئولوژی ممکن است به دلایلی با

بعضی از دیدگاه‌های سیاسی مشابه باشد. برای مثال، بعضی از محافظه‌کاران از دولت رفاه به دلیل کاهش انگیزه، خلاقیت فردی و تهی‌سازی منابع ملی انتقاد می‌کنند (به فصل ۳ و ۵ مراجعه شود). به‌طور مشابهی، برخی از مارکسیست‌ها نیز منتقد دولت رفاه هستند؛ آن‌ها بحث می‌کنند که دولت رفاه تنها طول عمر نظام سرمایه‌داری را با ایجاد «تور ایمنی»^۱ در زمان مشکلات اقتصادی، طولانی‌تر می‌کند و بنابراین مانع اقدامات انقلابی می‌شود (به فصل هفتم مراجعه نمایید). البته برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف هر ایدئولوژی را باید در بافت ارزشی آن ایدئولوژی بررسی نمود.

تدوین ایدئولوژی‌ها

ایدئولوژی‌ها به شیوه‌های مختلفی تدوین و تکوین یافته‌اند. مردم، ساخت‌های ایدئولوژیک خود را با گسترش فلسفه زندگی‌شان شکل می‌دهند، این فرآیند می‌تواند بر پایه ایده‌های دیگران شکل گرفته باشد. مردم اغلب به دنبال تعمیم تجارب خود به زمینه‌های گسترده‌تری هستند. ما اغلب درباره ماهیت خود و سایر افراد جامعه برداشت‌هایی داریم، همچنین دارای دیدگاه‌های اقتصادی هستیم که به شغل و درآمدان مرتبط می‌شود. نگرش ما به سیاست‌های اجتماعی تا حدود زیادی به تجارب شخصی ما از نظام‌های آموزش، سلامت، مسکن و مزایا بستگی دارد. هر ایدئولوژی سبک خاصی از زندگی را معرفی می‌کند که در عرصه‌های گوناگون زندگی نمود می‌یابد و مردم بدیرش طیف گسترده‌ای از افراد قرار می‌گیرد.

ایدئولوژی‌ها همچنین از سوی نظریه‌پردازانی توسعه یافته‌اند که در آثار مختلف خود به معرفی ویژگی‌های جامعه و یا ارائه برنامه‌های اصلاحی پرداخته‌اند. البته بسیاری از نظریه‌پردازان بزرگ عصر حاضر، مطالب خود را در پاسخ به رویدادهای خاص و ناگهانی ارائه کرده‌اند. برای مثال، فلسفه

محافظه‌کاری ادموند برک^۱ در پاسخ به وقایع انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه توسعه یافت؛ برک نگران تمایلات انقلابی در بریتانیا بود. در طیف دیگر رویکرد سیاسی، مارکس بسیاری از ایده‌هایش را با یادداشت‌برداری از برنامه‌های سیاسی و فعالیت‌های جنبش‌های کارگری قرن نوزده و مطالعه عمیق نظام اقتصاد سرمایه‌داری توسعه داد. نظریه‌پردازان کلیدی در توسعه ایدئولوژی‌های سیاسی تنها به دیدگاه‌های خود توجه نمی‌کنند، بلکه دیدگاه‌های دیگران را نیز در نظر می‌گیرند. تنها بعضی از نظریه‌ها در طول زمان دوام آورده و سایر نظریه‌پردازان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای نمونه، در دهه ۱۹۸۰ ویلیام موریس^۲ و ادوارد کارپنتر^۳، نظریه‌پردازان سوسیالیست، در مورد ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و اخلاقی سوسیالیسم مطالبی ارائه کردند که در دهه دوم قرن بیستم و دهه ۱۹۶۰ دوباره مورد توجه قرار گرفت. ایدئولوژی‌ها ثابت و بدون تغییر نیستند، بلکه در طول زمان دچار تغییراتی می‌شوند. شیوه تفسیر ایدئولوژی‌ها به سوالات مطرح شده و تا اندازه‌ای به زمینه فکری مسلط بستگی دارد. برای مثال، نظریه‌پردازان، سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران به امید اصلاح و یا نقد سوسیالیسم، بارها آن را بازنگری نموده‌اند.

همچنین، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی نیز در توسعه ایدئولوژی‌ها نقش مهمی داشته‌اند. سیاست‌گذاران و مدیران در پاسخ‌گویی به مسائل جدید، دیدگاه‌های نظری را با مشکلات اجرایی تلفیق می‌کنند و به محدودیت‌های هر تئوری پی‌برده و در جهت اقدامات اصلاحی گام برمی‌دارند. به این ترتیب، نقش مهمی در ایجاد رویکردهای جدید بازی می‌کنند. برای مثال، توسعه ایدئولوژی محافظه‌کاری و جناح راست جدید، تا حد زیادی مدیون احزاب محافظه‌کار سراسر جهان است. باید اشاره کرد

1- Edmund Burke

2- William Morris

3- Edward Carpenter

که محافظه‌کاری نیازی جدی به پشتوانه‌های نظری ندارد؛ زیرا هدف عمده‌اش حفظ وضعیت موجود است نه تغییر آن. محافظه‌کاران به‌طور سنتی منتقد تئوری‌های انتزاعی هستند و ادعا دارند که این تئوری‌ها مدیران را از اقدام جدی برای مدیریت جامعه منحرف می‌کند (به فصل سوم مراجعه شود). مدافعان راه سوم نیز نظر مشابهی نسبت به تئوری‌های انتزاعی دارند (به فصل ششم مراجعه شود).

باید اضافه نمود که ایدئولوژی‌ها لزوماً به سیاست‌های حزبی مرتبط نیستند. برای مثال، ایدئولوژی لیبرال الزاماً از سوی احزاب لیبرال، تدوین و به‌کار گرفته نمی‌شود، بلکه ایدئولوژی لیبرالیسم می‌تواند مورد توجه و استفاده اعضای حزب لیبرال بریتانیا، حزب دموکرات آمریکا و سایر احزاب چپ یا راست قرار گیرد. این موضوع در مورد سایر ایدئولوژی‌ها نیز صدق می‌کند. وقتی صحبت از ایدئولوژی می‌شود، تأکید ما بر نظام‌های فکری است که تمام فلسفه زندگی ما را احاطه کرده‌اند و به برنامه‌های احزاب محدود نمی‌شوند. در واقع، احزاب سیاسی می‌توانند از ایدئولوژی‌های مختلف برای توسعه سیاست‌ها و نطق‌های انتخاباتی خود استفاده نمایند. لزومی ندارد که هر ایدئولوژی را به شکل تمام و کمال رد کرده و یا بپذیریم. ارزش‌هایی در هر ایدئولوژی وجود دارد که با ترکیب آن‌ها می‌توانیم رویکردهای سیاسی و زندگی‌مان را با آن توسعه دهیم. این رویکرد احتمالاً مرهون بیش از یک ایدئولوژی است، اما بدون آگاهی از مباحث مختلف، احتمالاً درک سیاسی ما ناقص خواهد بود. ما مجبور به موافقت با ایدئولوژی‌های مخالف خود نیستیم، اما شناخت آن‌ها اهمیتی اساسی دارد.

رفاه

رفاه مفهومی صریح و بی‌ابهام نیست. مفهوم رفاه اغلب «نظام مزایا» را در ذهن تداعی می‌کند. اما این دیدگاه محدودی است که مفهوم واقعی رفاه را بازتاب

نمی‌کند. ابرین و پنا^۱ اشاره می‌کنند که رفاه می‌تواند به معنای بهزیستی^۲ باشد که به مقوله‌هایی چون توسعه اقتصادی، سلامت و امنیت فردی اشاره دارد. همچنین رفاه می‌تواند به «نهادهای دولت رفاه» اشاره کند که به اعتقاد بسیاری برای ارتقاء رفاه فردی و جمعی ضروری است. در نهایت، می‌تواند به عنوان گفتمانی^۳ از رفاه اجتماعی مطرح شود که از آن طریق می‌توان جهان را درک نمود (Obrien and Panna, 1998, pp.7-8). دیدگاه‌های ایدئولوژیک رفاهی، به مباحثی فراتر از موافق و یا مخالف نظام مزایا نظر دارند. اگرچه ممکن است بعضی از سیاستمداران تعاریف محدودتری از رفاه داشته باشند، اما بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی و سیاسی آگاه‌اند که رفاه از عوامل به هم مرتبط فراوانی تشکیل می‌شود.

رفاه (یا بهزیستی) بر بنیان‌های چندی استوار است. تونی فیتزپاتریک آن را با مقوله‌هایی چون شادکامی طولانی، میزان امنیت، ارضاء یا سرکوب نیازها و ترجیحات، کسب آنچه سزاوار آنیم و مقایسه خود با دیگران، مرتبط می‌داند. به جای اینکه رفاه را مقوله‌ای بدانیم که به طور عینی اندازه‌گیری می‌شود، باید اهمیت جنبه‌های ذهنی آن را نیز در نظر داشته باشیم زیرا جنبه‌های اخیر بر درک ما از بهزیستی تاثیرگذار است (Fitzpatrick, 2001, pp.5-11). بنابراین، رفاه ما نه تنها با سلامتی، آموزش، امنیت، مسکن مناسب، پول و منافع کافی برای یک زندگی خوب، رابطه دارد، بلکه درک معنای ذهنی این عوامل نیز اهمیتی اساسی دارد. برای مثال، ارزش یک آموزش دانشگاهی می‌تواند با واژه‌های عینی و ذهنی بیان شود. ارزش عینی آن می‌تواند با مقایسه درآمد افراد با و بدون تحصیلات دانشگاهی بیان شود، در حالی که ارزش ذهنی آن به تاثیر آموزش بر کیفیت زندگی افراد مربوط می‌گردد. هرچه ما ارزش بیشتری برای

1- O'Brien and Panna

2- Well-being

3- Discourse

سطوح موجود آموزش، سلامت و مسکن قائل شویم، به همان نسبت احساس بهزیستی بیشتری خواهیم داشت.

ساختار فصول

این کتاب به درستی نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌ها از طریق تئوری‌های نظری و فعالیت‌های سیاسی توسعه یافته‌اند. به جای تأکید صرف بر توسعه نظری، باید با رویکردی مختلط، تئوری و عمل را همزمان به کار گرفت و جنبه‌های خاص هر ایدئولوژی را پوشش ساخت. در حالی که هر فصل چارچوب تئوریک خود را دارد، با چندین مثال از سیاست‌گذاری‌های مربوطه تکمیل می‌گردد. باید دانست، به کارگیری و توسعه رویکردهای ایدئولوژیکی در سطح بین‌المللی نیز حائز اهمیت است. هرچند هر ملتی ممکن است ایده‌ها را منطبق با نیازهای خاص خود به کار گیرند، اما در ساخت ایدئولوژیک گسترده و قدرتمند بین‌المللی نیز مشارکت دارند. با این که پوشش ایدئولوژیک یک نظام بین‌المللی خارج از محدوده این کتاب است، اما تلاش می‌شود کتاب حالت مقایسه‌ای داشته و اجازه دیدی فراملی را فراهم نماید. در طراحی این مقایسه‌ها، توجه خاصی به دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران بریتانیا و ایالات متحده خواهد شد. همچنین به سیاست‌های خاصی اشاره می‌شود که سایر دولت‌های اروپایی، آسیایی و نیوزیلند تدوین و به کار گرفته‌اند. امید است که این رویکرد گسترده، امکان دسترسی خواننده را به طیف‌های مختلف سیاسی فراهم آورد. در کنار توجه به ایدئولوژی‌های خاص باید به اهمیت بین‌المللی ایدئولوژی‌ها نیز توجه داشت.

در این کتاب سعی می‌شود هر ایدئولوژی در چندین سطح بررسی شود و لایه‌های به هم پیوسته آن شناسایی شوند. به منظور درک رویکرد نظریه‌پردازان و ایدئولوژی‌های مختلف، لازم است چگونگی قرارگیری این رویکردها را بر بنیان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار داد. هر فصل به گونه‌ای طراحی شده تا ابتدا بنیان‌ها و اصول معرفی و سپس با بحث در مورد

مباحث ایدئولوژیک به دست آورند. در واقع، نظریه‌پردازان سیاسی و اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی را به عنوان جزئی از رویکرد نظری خود به کار می‌برند. اعتقاد بر این است که سیاست‌های اجتماعی به ندرت دارای ارزش ذاتی‌اند و اغلب بر اساس رویکردشان به آزادی یا برابری در جامعه، ارزیابی می‌شوند.

همان‌طور که خواهیم دید، تفسیرهای متفاوتی از «آزادی» وجود دارد. در طول زمان، تلاش‌های گسترده‌ای برای تشخیص انواع مختلف آزادی و طبقه‌بندی آن از سری دیدگاه‌های مختلف ارائه شده است. شاید گسترده‌ترین و تا حدی مفیدترین طبقه‌بندی مربوط به کار آیزیا برلین^۱ (۱۹۵۹) باشد. او بحث می‌کند که آزادی می‌تواند به «آزادی مثبت»^۲ و «آزادی منفی»^۳ طبقه‌بندی شود. آزادی منفی، حق انجام هر آنچه آرزوی آن را داریم، بدون محدود شدن از سوی دیگران به طور کلی و به طور خاص از سوی دولت است. در سوی دیگر، آزادی مثبت به خود بهتر ما مربوط است و انجام آن چیزی است که باید انجام دهیم. آزادی مثبت فضای بیشتری برای دولت فراهم می‌کند تا در زندگی شهروندان مداخله کند. اگرچه این تمایز به معنای آن نیست که باید همه اشکال آزادی را در همه زمان‌ها داشته باشیم، اما این طبقه‌بندی به هنگام بررسی ایدئولوژی‌ها کمک‌کننده است. همچنین بسیاری از ایدئولوژی‌های این کتاب، برداشت‌هایی از آزادی دارند که مشابه طبقه‌بندی برلین است. برای بسیاری از نظریه‌پردازان، ایجاد ترکیب مناسبی از آزادی و برابری امری اساسی دارد.

ارزش «برابری» نیز جایگاه مهمی در بسیاری از ایدئولوژی‌ها دارد. هر چند اشکال متعددی از برابری وجود دارد، اما مطابق یک طبقه‌بندی شناخته‌شده، برابری نیز به دو صورت «برابری نتایج»^۴ (توزیع برابر کالاها) و «برابری

1- Isaiah Berlin

2- Positive Liberty

3- Negative Liberty

4- Equality of outcome

فرصت‌ها»^۱ (اجازه رقابت برابر) به کار می رود. باید اشاره شود که برابری نتایج با سنت سرمایه‌داری ناسازگار است زیرا سرمایه‌داری بر وجود مشوق‌های اقتصادی متکی است و برابری نتایج این انگیزه را مخدوش می‌سازد و تهدیدی بر موجودیت نظام سرمایه‌داری است. هرچند برابری نتایج با نظام سرمایه‌داری ناسازگار است، اما سیستم‌های اقتصادی دیگری وجود دارند که این نوع برابری را می‌پذیرند. معروف‌ترین آن‌ها کمونیسم و سایر نظام‌های اشتراکی است. در مقابل، برابری فرصت‌ها با نظام سرمایه‌داری سازگار است. در واقع، برابری فرصت‌ها، با جذب طیف گسترده‌ای از کارگران منعطف و خلاق، سرمایه‌داری را فعال و کارا تر می‌سازد.

نظریه‌پردازان علاوه بر ارزش‌های آزادی و برابری، سایر مفاهیم را به کار می‌گیرند تا ترکیبی از ارزش‌های خاص خود را شکل دهند. از مهم‌ترین این مفاهیم می‌توان به عدالت اجتماعی^۲، پدرسالاری^۳ و دیدگاه معنوی اشاره کرد. مفاهیم اخیر به ما کمک می‌کنند تا تفاوت‌های ایدئولوژی‌ها را بهتر درک کنیم و از تاکید صرف بر آزادی و برابری اجتناب کنیم. ارزش‌های اجتماعی اشاره شده در این کتاب به هیچ وجه جامع و کامل نیستند، زیرا ما به دنبال فهرست نمودن ارزش‌های اجتماعی ایدئولوژی‌های مختلف نیستیم، بلکه به دنبال فهم ارتباط بین آزادی و برابری و همین‌طور تاثیر این ارتباط در ایدئولوژی‌های مختلف هستیم.

دولت و رفاه

این کتاب با معرفی اصول اقتصادی و ابعاد اجتماعی هر ایدئولوژی، امکان بررسی دقیق‌تر دولت را می‌دهد. تاکید ما بیشتر روی نقش دولت در تامین رفاه خواهد بود. نقش دولت در غرب معمولاً تامین بعضی از نیازهای رفاهی

1- Equality of opportunity

2- Social justice

3- Paternalism

اساسی است و آشکارا دولت رفاه نقش مهمی در توسعه جامعه مدرن داشته است. بعضی از اندیشمندان به دنبال توصیف ماهیت و اهمیت دولت رفاه بوده‌اند. برای نمونه، بریگز دولت رفاه را ابزاری می‌بیند که مردم را در برابر حداقل سطحی از ایمنی در برابر نیروهای ناپایدار بازار مصون می‌سازد (Briggs, 1969). تحلیلگران معتقدند که دولت رفاه جنبه‌ای اساسی از صنعتی شدن سرمایه‌داری است و روزه‌ای برای سیستم فراهم می‌کند تا منابع را توزیع و نظم را برقرار سازد. دولت رفاه به عنوان سیستمی از قشربندی شهروندی توصیف می‌شود که با جایگاه طبقاتی ما رقابت کرده و حتی جانشین آن می‌شود (O'Brien and Penna, 1998, p. 140). دولت رفاه صرفاً نقشی حاشیه‌ای در جوامع معاصر غربی ندارد، بلکه دولت‌های رفاهی در تمام ساختار اجتماعی و اقتصادی نفوذ کرده‌اند. این نفوذ گسترده، سبب بروز نگرانی‌هایی شده است، به‌طوری‌که تلاش‌هایی برای محدود کردن نقش دولت رفاه انجام می‌شود، مخصوصاً در اقداماتی که امکان لطمه زدن به اقتصاد ملی وجود دارد.

به هنگام بررسی «دولت و رفاه»، توجه به این نکته ضروری است که ایدئولوژی‌های مختلف چه نگاهی به دولت دارند. واژه دولت برای ارجاع به نهادهای دولت مرکزی به کار می‌رود. این نهادها سیاست‌های خود را از طریق دولت‌های محلی و سایر سازمان‌ها اعمال می‌کنند، اما واضح است که دولت مرکزی هنوز هم نقش مهمی در مدیریت جامعه دارد. همان‌طور که خواهیم دید، بعضی از ایدئولوژی‌ها در تضاد با دولت قرار می‌گیرند؛ زیرا به دنبال خودتنظیمی نظام سرمایه‌داری هستند. از نظر بسیاری از رادیکال‌ها، دولت به منافع سرمایه‌داری پیوند خورده و مشروعیت تأمین همه اقشار جامعه را ندارد. در بین این دو طیف، آن‌هایی قرار می‌گیرند که خواستار مداخله دولت برای اصلاح نظام سرمایه‌داری و مشارکت بیشتر در رفاه عمومی هستند. باید ذکر شود که کتاب حاضر به هیچ وجه به تئوری‌های دولت نمی‌پردازد، بلکه تلاش خواهد کرد دیدگاه‌هایی که در مورد دولت وجود دارد را به عنوان پایه‌ای برای بحث دولت رفاه ارائه نماید.

رفاه و سیاست‌های اجتماعی

ما در هر ایدئولوژی هم به ماهیت و هم به نقش دولت در تامین رفاه اشاره می‌کنیم. در هر فصل نمونه‌هایی از سیاست‌های اجتماعی ایدئولوژی‌های مختلف را عنوان و اشاره می‌کنیم که سیاست‌های رفاه بیش از این که به صورت حمایت مالی باشند به شکل بیمه بیکاری، مقرری‌های کودک یا بیمه‌های بازنشستگی ارائه می‌شوند. رفاه ما به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ عواملی مانند رضایت نسبی، توانایی مشارکت کامل در فرآیند دموکراتیک یا حتی عوامل شخصی مرتبط با دوستان، خانواده‌ها و محیط‌های اجتماعی. گرچه این عوامل بدون شک مهم هستند اما این کتاب به سیاست‌های اجتماعی خاصی نظر دارد که شامل نظام مزایا، مسکن، مراقبت‌های سلامت و آموزش می‌شود. امید است با ارائه نمونه‌هایی از این سیاست‌های اجتماعی به درک بهتری از ابعاد کاربردی و نظری ایدئولوژی‌های مطرح شده دست یابیم.

زمانی که در مورد این حوزه‌های سیاست‌گذاری بحث می‌کنیم توجه خاصی به نقش اجتماعی دولت خواهیم داشت. هر چند موضوعات جذاب دیگری وجود دارد که می‌توانست تحت پوشش قرار گیرد، اما توجه به نقش دولت در حوزه‌های تامین اجتماعی به ما کمک خواهد کرد که ارتباط مناسبی بین مثال‌های سیاست‌گذاری و بخش‌های اقتصاد، ارزش‌های اجتماعی و دولت رفاه برقرار سازیم. هر فصل در مورد شیوه تامین دولتی و نوع مداخله دولت برای مقابله با مشکلات، بحث می‌کند. از دید برخی از ایدئولوژی‌ها، مداخله دولت برای جبران بی ثباتی‌های نظام سرمایه‌داری، کافی است. اما برای دیگر ایدئولوژی‌ها، مشکلات سرمایه‌داری به قدری وسیع است که نمی‌توان از طریق اقدامات تسکینی به درمان آن‌ها پرداخت. همان‌طور که خواهیم دید، ایدئولوژی‌های مطرح شده در این کتاب، نظرات بسیار متفاوتی در مورد مداخله دولت ارائه می‌دهند.

لازم به یادآوری است که اغلب دولت‌های موفق بعد از جنگ جهانی دوم

در بریتانیا، آمریکا، اروپای شمالی و اسکاندیناوی نیاز به مداخله دولت مخصوصاً در تامین و جهت‌دهی به مزایا، مسکن، سلامت و آموزش را پذیرفته‌اند. دولت رفاه به بخشی از چشم‌انداز سیاسی عصر حاضر تبدیل شده است و بعضی از احزاب سیاسی خواستار به‌کارگیری آن در سطحی فراتر از شناخت هستند. همان‌طور که در فصول دو تا شش این کتاب ملاحظه خواهید کرد، مناقشه در مباحث سیاسی بیش از این‌که صحبت از مداخله یا عدم مداخله دولت باشد، بر میزان مداخله دولت تاکید دارد. فصول لیبرالیسم، محافظه‌کاری، سوسیال دموکراسی، نئولیبرالیسم و راه سوم^۱ در مورد جنبه‌های نظری ایدئولوژی‌ها و شبهه به‌کارگیری این تئوری‌ها در کشورهای مختلف، بینش‌هایی ارائه می‌کنند. هرچند در این کتاب به کشورهای بریتانیا و ایالات متحده بیشتر توجه می‌شود، اما مثال‌هایی از سایر کشورها نیز آورده می‌شود.

همچنین این کتاب فصولی پیرامون «منتقدان افراطی» دولت رفاه دارد. توسعه سیاست‌های رفاهی این فصول، کاملاً از فصولی که جریان اصلی سیاست رفاه را تشکیل می‌دهند، متفاوت است. مارکسیست‌ها، فمینیست‌ها و سبزها^۲ به عنوان ایدئولوژی‌های افراطی شناخته می‌شوند؛ زیرا بخش‌های اصلی این ایدئولوژی‌ها و جنبش‌ها، سرمایه‌داری را رد می‌کنند و کمتر متقاعد شده‌اند که دولت رفاه می‌تواند اقدامی موثر برای ارتقاء رفاه عمومی ایجاد و جامعه انجام دهد. به همین علت آن‌ها برای مداخله دولت در تامین و هدایت حوزه‌های کلیدی سیاست اجتماعی، ارزش محدودی قائل‌اند. این ایدئولوژی‌ها قطعاً در شناخت دیدگاه‌های رادیکالی مهم‌اند و برخی از ایده‌هایشان بر جریان اصلی سیاست رفاه نیز اثرگذار بوده است، اما تاکنون نمونه‌ای کامل از به‌کارگیری عملی ایده‌هایشان در کشوری خاص مشاهده نشده است.

1- Liberalism, Conservatism, Social democracy, Neo-liberalism and Third Way

2- Radical Critics

3- Marxists, Feminists and Greens

سیاست‌های اجتماعی ایدئولوژی‌های افراطی بیشتر به انتقاد از سیاست‌های رفاهی موجود می‌پردازند و در این رابطه جایگزین‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که در اصول مربوطه بیشتر به آن‌ها اشاره می‌شود.

نتیجه‌گیری

فصول این کتاب به خواننده امکان شناخت سطوح مختلف ایدئولوژی‌ها را می‌دهد. بنیان‌های ایدئولوژی را اقتصاد و ارزش‌های اجتماعی آن تشکیل می‌دهد. بخش‌های دولت و رفاه، رفاه و سیاست‌های اجتماعی نیز روی این بنیان‌ها قرار می‌گیرند و به این ترتیب محتوای اجتماعی ایدئولوژی‌ها برای ما نمایان می‌شود. باید در نظر داشته باشیم که ایدئولوژی‌ها دارای ابعاد متفاوتی هستند. کاوش دقیق مسائل اجتماعی می‌تواند از طریق رویکردهای مختلف ایدئولوژیکی در مورد اقتصاد، جرم و یا امور بین‌المللی صورت گیرد. موضوعات مطرح شده در این کتاب را می‌توان جزئی‌تر بررسی کرد، اما همه آن‌ها می‌توانند به درک ما از رفاه اجتماعی کمک کنند. در سراسر این اثر تاکید می‌شود که رفاه ما به دامنه‌ای از موضوعات اجتماعی بستگی دارد که شامل مزایا، مسکن، مراقبت‌های سلامت و آموزش است. به منظور فهم دیدگاه‌های ایدئولوژیکی پیرامون این حوزه‌های سیاست‌گذاری ما به پیش‌بینش‌های اجتماعی و اقتصادی ایدئولوژی‌ها نیاز داریم. امید است با کمک این پیش‌درک بهتری از ایدئولوژی‌ها و برنامه‌های آن‌ها برای ارتقاء رفاه اجتماعی به دست آوریم.